

An In-Depth Analysis of the Research Methodology of Business Viability Studies in Entrepreneurship: A Meta-Methodological Approach

Mohammad Amin Farrokh¹, Abolghasem Arabiun², Jahangir Yadollahi Farsi³, Ali Mobini Dehkordi³, Mohammadreza Meygunpouri⁴

1- PhD Candidate, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

2-Associate Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Corresponding author: arabiun@ut.ac.ir) 

3- Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

4- Assistant Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

Abstract

The present study was conducted with the aim of systematically identifying and analyzing the research methodologies employed in studies of business viability in the field of entrepreneurship, in order to fill the existing gap in the literature regarding the lack of a comprehensive picture of the trends, patterns, and quality of the methods used in this domain. Despite the remarkable growth of related studies, a review of the literature indicates that conceptual heterogeneity and a lack of coherence in research designs have hindered the formation of a coherent and generalizable body of knowledge on business viability. Accordingly, drawing on a meta-methodological approach and Ghafarzadegan and Ghazi-Nouri's "research onion" framework, this study conducted a quantitative and qualitative analysis of 122 international articles in order to examine their philosophical underpinnings, approaches, methods, and research strategies. The results show that the majority of studies have been conducted within an interpretive paradigm and with qualitative approaches, while the use of mixed and experimental methods has been highly limited. This indicates a pressing need to develop multi-faceted methodological models and to strengthen the coherence among research philosophy, method, and techniques. The innovation of this study lies in the application of Research Design Roadmap structured framework for comparative methodological analysis and for providing a comprehensive picture of the current state of research on business viability an endeavor that had not previously been undertaken in this domain. In addition to elucidating the existing methodological trends, the findings offer suggestions for enhancing the quality of future studies, including the need to expand empirical research, employ combined data sources, and design interdisciplinary research. The practical implications of the results may assist researchers in designing more coherent research projects and entrepreneurship managers in choosing evidence-based strategies to improve the sustainability and resilience of businesses. Overall, this study delineates a new path for methodological development and data integration in research on business viability.

Keywords: Business Viability, Entrepreneurship, Research Methodology, Meta-Methodological Approach, Research Design Roadmap.

How to Cite this Paper:

Farrokh, M.A., Arabiun, A., Yadollahi Farsi, J., Mobini Dehkordi, A. & Meygunpouri, M.R. (2025). **An In-Depth Analysis of the Research Methodology of Business Viability Studies in Entrepreneurship: A Meta-Methodological Approach.** *Journal of Science & Technology Policy*, 18(4), 41-56. {In Persian}.

doi: 10.22034/jstp.2026.12072.1945





واکاوی روش‌شناسی پژوهش‌های مانایی کسب‌وکار در کارآفرینی: رویکرد فراروش

محمدامین فرخ^۱، ابوالقاسم عربیون^۲، جهانگیر یداله‌ی فارسی^۳، علی مبینی دهکردی^۳، محمدرضا میگون‌پوری^۴

۱- دانشجوی دکترا، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانشیار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

(نویسنده عهده‌دار مکاتبات: arabiun@ut.ac.ir)

۳- استاد، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- استادیار، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناسایی و تحلیل نظام‌مند روش‌شناسی مطالعات مانایی کسب‌وکار در حوزه کارآفرینی انجام شده تا شکاف موجود در پیشینه در زمینه نبود تصویری جامع از روندها، الگوها و کیفیت روش‌های به‌کاررفته در این حوزه را پر کند. باوجود رشد چشمگیر مطالعات مرتبط، مرور ادبیات نشان می‌دهد تنوع مفهومی و فقدان انسجام در طراحی‌های پژوهشی، مانع از شکل‌گیری دانش منسجم و قابل‌تعمیم درباره مانایی کسب‌وکار شده است. ازاین‌رو، این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد فراروش و چارچوب "نقشه راه طراحی تحقیق"، به تحلیل کمی و کیفی ۱۲۲ مقاله پرداخت تا ساختار فلسفی، رویکرد، روش و راهبردهای پژوهش آنها را واکاوی کند. نتایج نشان داد که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها در پارادایم تفسیری و با رویکردهای کیفی انجام شده‌اند، درحالی‌که به‌کارگیری روش‌های ترکیبی و تجربی بسیار محدود بوده است. این امر بیانگر نیاز جدی به توسعه الگوهای روش‌شناختی چندوجهی و تقویت انسجام میان فلسفه، روش و تکنیک‌های تحقیق است. نوآوری پژوهش در به‌کارگیری چارچوب ساختاریافته "نقشه راه طراحی تحقیق"، برای تحلیل تطبیقی روش‌شناسی و ارائه تصویری جامع از وضعیت پژوهش‌های مانایی کسب‌وکار نهفته است؛ امری که تاکنون در این حوزه صورت نگرفته بود. یافته‌ها علاوه بر تبیین روندهای روشی موجود، پیشنهادهایی برای ارتقای کیفیت مطالعات آینده ارائه می‌دهند؛ از جمله ضرورت گسترش مطالعات تجربی، استفاده از داده‌های ترکیبی و طراحی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای. کاربردهای عملی نتایج می‌تواند برای پژوهشگران در طراحی طرح‌های منسجم‌تر و برای مدیران کارآفرینی در انتخاب راهبردهای مبتنی بر شواهد جهت بهبود پایداری و تاب‌آوری کسب‌وکار مؤثر باشد. در مجموع، این پژوهش مسیر تازه‌ای برای توسعه روش‌شناسی و تلفیق داده‌ها در مطالعات مانایی کسب‌وکار ترسیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مانایی کسب‌وکار، کارآفرینی، روش‌شناسی پژوهش، رویکرد فراروش، نقشه راه طراحی تحقیق.

برای استنادات بعدی به این مقاله، قالب زیر به نویسندگان محترم مقالات پیشنهاد می‌شود:

فرخ، محمدامین، عربیون، ابوالقاسم، یداله‌ی فارسی، جهانگیر، مبینی دهکردی، علی. و میگون‌پوری، محمدرضا. (۱۴۰۴). واکاوی روش‌شناسی پژوهش‌های مانایی کسب‌وکار در کارآفرینی: رویکرد فراروش، (۴)، ۱۸، ۵۴-۴۱.

doi: 10.22034/jstp.2026.12072.1945



۱- مقدمه

مانایی به معنای پایداری و استمرار یک نظام یا سازمان در طول زمان است که توانایی حفظ خود در برابر تغییرات محیطی و داخلی را دارد [۱]. این مفهوم در حوزه‌های مختلف علمی از جمله مدیریت و کسب‌وکار و کارآفرینی به عنوان شاخصی کلیدی برای ارزیابی موفقیت و بقای سازمان‌ها مطرح شده است [۲]. مانایی نه تنها به توانایی بقا اشاره دارد، بلکه شامل توانمندی سازمان در انطباق با شرایط متغیر و ایجاد مزیت رقابتی پایدار نیز می‌شود. در واقع، مانایی نشان‌دهنده تعادل بین ثبات و تغییر است که سازمان را قادر می‌سازد تا در محیط‌های پیچیده و پویای کسب‌وکار به حیات خود ادامه دهد [۳].

اهمیت مانایی در کسب‌وکار به دلیل نقش حیاتی آن در تضمین بقای سازمان‌ها در بازارهای رقابتی و متغیر است. سازمان‌هایی که قادر به حفظ مانایی هستند، می‌توانند به طور مستمر به اهداف خود دست یافته و از بحران‌ها و تهدیدهای محیطی عبور کنند [۴]. علاوه بر عدم قطعیت اقتصادی، تغییرات فناوری و تحولات بازار، ابهام‌های سیاسی و درگیری‌های نظامی نیز نقشی اساسی در افزایش چالش‌ها و مخاطرات کسب و کارها دارند. در چنین فضایی، بنگاه‌ها با اختلال زنجیره تأمین، کاهش تقاضا، دشواری‌های لجستیکی و افزایش ریسک‌های امنیتی مواجه می‌شوند که مستقیماً بر قابلیت‌های بقا و رشد پایدار آنها تأثیر می‌گذارد. این شرایط باعث افزایش اضطراب، عدم اطمینان و کاهش اعتماد در بازار می‌شود. کسب و کارهایی که بتوانند با زیرساخت‌های انعطاف‌پذیر و راهبرد‌های مدیریت بحران، این ریسک‌ها را به حداقل برسانند، شانس بیشتری برای حفظ مانایی و رشد در این محیط‌های چالش برانگیز خواهند داشت. مطالعات نشان داده‌اند که کسب‌وکارهای دارای مانایی بالا، عملکرد مالی بهتری دارند و می‌توانند نوآوری و رشد پایدار را در طول زمان حفظ کنند [۵].

در حوزه کارآفرینی، مانایی کسب و کار به معنای توانایی کسب و کارهای نوپا و نوآفرین در حفظ و توسعه فعالیت‌های خود در مواجهه با چالش‌های اولیه و محدودیت‌های منابع است. اهمیت این موضوع از آنجاست که بسیاری از کسب و کارهای

نوپا در سالهای ابتدایی فعالیت خود با نرخ بالای شکست مواجه هستند [۶]. مانایی در کارآفرینی شامل ایجاد ساختارهای انعطاف‌پذیر، مدیریت ریسک و بهره‌گیری از فرصت‌ها برای رشد مستمر است که می‌تواند به بقای بلندمدت این کسب‌وکارها کمک نماید [۷]. مانایی کسب‌وکار یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت و کارآفرینی محسوب می‌شود که نقش مهمی در تضمین بقای بلندمدت و رشد پایدار سازمان‌ها دارد. این مفهوم به‌ویژه در کسب‌وکارهای نوپا که با عدم قطعیت‌ها و چالش‌های متعددی روبرو هستند، اهمیت بیشتری می‌یابد. بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که گرچه این حوزه تحقیقاتی نسبتاً جدید است، اما در دهه اخیر رشد قابل توجهی در توجه پژوهشگران به این موضوع رخ داده است. این افزایش پژوهش‌ها و توسعه چارچوب‌ها و مدل‌های مفهومی، نشانگر تلاش جامعه علمی برای درک عمیق‌تر ابعاد مختلف مانایی کسب و کار در بستر کارآفرینی است.

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مانایی کسب‌وکار نشان می‌دهد که پایداری سازمان‌ها متأثر از عوامل داخلی مانند مدیریت دانش، نوآوری و رهبری [۸] و همچنین عوامل خارجی مانند شبکه‌سازی و زنجیره تأمین پایدار است [۹]. این عوامل از مسیر بهبود عملکرد، افزایش تاب‌آوری و ارتقای رضایت و وفاداری مشتری، به بقای کسب‌وکار مدد می‌رسانند. با این حال، ادبیات موجود به سبب پراکندگی موضوعات، تنوع تعاریف و ناهمسانی ابزارها، تصویر یکپارچه‌ای از «چگونه ماندگار شویم» ارائه نمی‌دهد. از این رو یک رویکرد فراروش (متامدت) ضرورت می‌یابد تا شواهد را نظام‌مند تلفیق کند، کیفیت روش‌ها را بسنجد و الگوهای مشترک را آشکار سازد. در این خوانش، تمرکز نه بر تکرار محتوا، بلکه بر «روش‌شناسی تولید شواهد» است؛ چه روش‌هایی معتبرترند، کدام ابزارها قابلیت بازتولید دارند و کجا خلأ سنجش مشاهده می‌شود.

چالش دیگر، شکاف میان دغدغه‌های پژوهشی و نیازهای میدانی کارآفرینان است. تأکید غالب بر رویکردهای کیفی تفسیرگرا - با همه مزایای معناشناختی - به تنهایی پاسخ‌گوی پیچیدگی چندسطحی مانایی نیست؛ همان‌گونه که رویکردهای صرفاً اثبات‌گرا، به سبب ضرورت توجه به زمینه

و تعاملات انسانی، کافی به نظر نمی‌رسند. مسئله مانایی هنوز در مرحله مفهوم‌سازی است و به رویکردی اکتشافی-نظام‌مند نیاز دارد که داده‌های ناهمگون را ادغام و الگوی بومی اعتبارسنجی ارائه کند. بر این مبنا، هدف پژوهش حاضر، واکاوی روش‌شناسی مانایی کسب‌وکار با رویکرد فراروش (متا‌متد) است تا چارچوبی برای ترکیب شواهد کیفی و کمی فراهم آید، معیارهای ارزیابی کیفیت مطالعات روشن شود و نقشه‌ای برای طراحی پژوهش‌های آینده ترسیم گردد. برای سامان‌دهی این مسیر، از نقشه راه طراحی تحقیق غفارزادگان و قاضی‌نوری [۲۸] بهره گرفته می‌شود تا هم‌ترازسازی فلسفه پژوهش، راهبردها، روش‌ها و تکنیک‌های گردآوری/تحلیل داده به‌صورت شفاف گزارش شود. این هم‌ترازی، علاوه بر ارتقای اعتبار درونی و بیرونی مطالعات، امکان بازتولید و مقایسه بین مطالعه‌ای را افزایش داده و نهایتاً مسیر انتقال دانش از مقاله به عمل را کوتاه می‌کند. در جمع‌بندی، مانایی کسب‌وکار نه یک «ویژگی ذاتی» بلکه حاصل طراحی آگاهانه سازوکارهای یادگیری، هم‌تکاملی با محیط و حکمرانی چابک است. تلفیق نگاه سیستمی با سنجش‌پذیری تجربی، تعریف استانداردهای داده و آزمون‌پذیری مکرر فرضیات در کنار شبکه‌سازی هوشمند در زنجیره ارزش، شرایطی می‌سازد که در آن سازمان نه فقط در برابر شوک‌ها دوام می‌آورد، بلکه به‌تدریج به سازمانی «سازگار-آینده‌ساز» بدل می‌شود. رویکرد فراروش، با تمرکز بر کیفیت روش‌ها و تلفیق شواهد، بستر تولید چنین دانشی را فراهم می‌سازد که هم به نظریه عمق بخشیده و هم به تصمیم‌گیران، نقشه راهی برای عمل می‌دهد، بی‌آنکه ارجاعات، انسجام و محتوای اصلی مخدوش شود.

۲- پیشینه نظری پژوهش

نظریه مانایی، چارچوبی منطقی است که شرایط حفظ ویژگی‌های اساسی سیستم‌های دینامیک در طول زمان را بررسی می‌کند و در نظریه کنترل، اکولوژی و اقتصاد برای تحلیل پایداری سیستم‌ها کاربرد دارد [۱۰]. این نظریه مفاهیمی چون فضای حالت، هسته قابلیت و مسیرها را بیان می‌کند که به درک بهتر عملکرد سیستم‌ها در مواجهه با تغییرات کمک می‌کند. در مدیریت بوم‌سازگان و منابع طبیعی،

این نظریه برای شناسایی شیوه‌های پایدار به کار می‌رود و مثلاً می‌تواند به تعیین سهمیه‌های ماهی‌گیری کمک کند تا جمعیت‌های ماهی حفظ و نیازهای انسانی نیز تأمین شود. در اقتصاد، این نظریه با تحلیل پایداری اقتصادی و ارزیابی سیاست‌های رشد پایدار مرتبط است و به توسعه مدل‌هایی برای جلوگیری از بدهی غیرقابل تحمل کمک می‌کند [۱۱].

هسته مانایی از پویایی سیستم و محدودیت‌های محیطی نشأت می‌گیرد و شرایط اولیه‌ای را تعریف می‌کند که به سیستم اجازه می‌دهد با وجود محدودیت‌ها تکامل یابد [۱۰]. این مفهوم برای تحلیل ثبات و پایداری سیستم‌ها اهمیت دارد و باعث می‌شود آن‌ها از حالات غیرپایدار دور بمانند [۱۲].

استافورد بیر در دهه ۱۹۵۰ مدل سیستم‌های مانا (VSM) را معرفی کرد که رویکردی نوین در مدیریت سیستم‌های کسب‌وکار ارائه می‌دهد. این مدل که بر پایه سایبرنتیک و نظریه سیستم‌ها استوار است، کسب‌وکارها را قادر می‌سازد تا با محیط‌های پیچیده و متغیر سازگار شوند و تأکید دارد که هر سیستم باید قابلیت حفظ حیات و پاسخگویی به تغییرات محیطی را داشته باشد و به عنوان ابزار تحلیلی برای بررسی ساختارها و فرآیندهای تصمیم‌گیری عمل می‌کند. در سایبرنتیک سازمانی که توسعه یافته و غنی‌شده توسط بیر است، بازخورد، تنوع و جعبه‌های سیاه از مفاهیم اصلی هستند [۱۳ و ۱۴]. بازخورد تأثیر خروجی گذشته سیستم بر ورودی‌های فعلی و آینده است و شامل بازخورد مثبت و منفی است که بازخورد منفی برای کنترل تعادل ضروری است. تنوع معیار پیچیدگی سیستم است و براساس قانون تنوع لازم اشبی، تنوع کنترل‌کننده باید برابر یا بیشتر از تنوع شیء تحت کنترل باشد تا بتواند آن را اداره کند. مهندسی تنوع به متعادل‌سازی تنوع‌ها و تسهیل کنترل آن‌ها می‌پردازد. جعبه سیاه، سیستم یا شیئی است که فقط از طریق ورودی‌ها، خروجی‌ها و تابع انتقالش قابل مشاهده است و عملیات داخلی آن مخفی یا غیرضروری است. کنترل این جعبه با بازخورد منفی انجام می‌شود.

مطالعات بیر با الهام از نوروفیزیولوژی بدن انسان، دیدگاه ارگانیسم را به سایبرنتیک مدیریتی افزودند و ساختار مغز و سیستم عصبی را مبنای قابلیت اجرایی سیستم‌ها معرفی

کردند. مدل VSM وی که در کتاب "مغز شرکت" (۱۹۷۲) کامل شده، شامل مثال‌های عملی از بهینه‌سازی ساختار کسب‌وکار است و تأثیر گسترده‌ای بر پژوهشگران و مدیران داشته است [۱۲]. این مدل در دهه‌های بعدی توسعه یافته و به ابزاری کاربردی در صنایع مختلف و بخش‌های دولتی تبدیل شده است، جایی که به بهبود سیاست‌گذاری و مدیریت کمک می‌کند [۱۴].

در دهه ۱۹۸۰، کاربرد مدل گسترش یافت و شرکت‌ها به مزایای آن در حل مسائل پیچیده مدیریتی پی بردند. این مدل به مدیران کمک می‌کند ساختارهای خود را مطابق با نیازهای خاص صنعت طراحی و فرآیندهای داخلی را اصلاح کنند [۱۴]. در دهه ۱۹۹۰، مدل سیستم‌های مانا به بخش‌های دولتی و سیاست‌گذاری عمومی نیز راه یافت و به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و توسعه سیاست‌های منطبق با نیازهای جامعه کمک کرد [۱۵]. این پذیرش نشانگر اهمیت رویکرد سیستمی در حل مسائل اجتماعی و اقتصادی است. در دهه ۲۰۰۰، مدل با تفکر سیستمی گسترده‌تر ادغام شد و توانست به چالش‌های پیچیده‌تری پاسخ دهد. در سال ۲۰۱۰، مدل سیستم‌های مانا جهت تمرکز بر چالش‌های زیست‌محیطی و پایداری به‌روز شد و به مدیران کمک می‌کند تصمیماتی با توجه به تأثیرات اجتماعی و محیطی بگیرند [۱۵]. سال ۲۰۲۰ شاهد تکامل VSM برای حمایت از تحول دیجیتال و کسب‌وکارهای چابک بود؛ به طوری که فناوری‌های نوین در عملیات کسب‌وکار ادغام شده و تصمیم‌گیری بر پایه داده بهبود یافته است [۱۶].

مدل سیستم‌های مانا دو کاربرد اصلی دارد: تشخیص مشکلات کسب‌وکار موجود و بازطراحی ساختارها [۱۳] و [۱۴]. این مدل بر پنج سیستم اصلی تأکید دارد و الگوی تعاملات بین آن‌ها باید دقیقاً پایبند به مبانی مدل باشد. فقدان این عملکردها یا اختلال در تعاملات، تهدیدی برای مانایی کل مجموعه است: سیستم اول شامل عناصر عملیاتی ابتدایی است که به خلق ارزش می‌پردازند و توسط مدیریت محلی اداره می‌شوند [۱۷]. سیستم دوم مسئول هماهنگی میان این اجزا است، با استفاده از قوانین و پروتکل‌های تنظیمی. سیستم سوم کنترل عملیاتی و مدیریت منابع را به عهده دارد و

سیستم سوم پلاس یا حساسی، نظارت بر رعایت قوانین و اهداف را انجام می‌دهد. سیستم چهار جهت‌گیری راهبردی و جمع‌آوری اطلاعات محیطی را تأمین می‌کند و سیستم پنج سیاست‌گذاری کلان را مدیریت می‌نماید [۱۸].

ویژگی مهم مدل سیستم‌های مانا قابلیت مقیاس‌پذیری در سطوح مختلف از فرد تا شرکت‌های چندملیتی یا سازمان‌های غیرانتفاعی است. این مدل با نگاه سیستماتیک به حفظ بقا، هویت و تاب‌آوری سازمان‌ها ضمن برخورد با تغییرات محیطی، چارچوب جامعی برای تحلیل ساختار و عملکرد کسب‌وکار ارائه می‌دهد [۱۹]. پژوهش‌ها نشان می‌دهند اهمیت مانایی کسب‌وکار به عنوان شاخص کلیدی برای بقا در محیط‌های به شدت پیچیده و پویا، نیازمند توسعه چارچوب‌های نظری و روش‌شناسی نوین است. مطالعات متعددی بر نقش سیستم‌ها، شبکه‌ها و اکوسیستم‌ها در افزایش تاب‌آوری و توسعه بلندمدت سازمان‌ها تأکید دارند [۲۰] و [۲۱]. همچنین، پژوهشگران با استفاده از مدل VSM به بهبود فرآیندهای پیچیده در صنایع زیستی، گواهی‌نامه‌های حلال و دانشگاه‌های پژوهشی پرداخته‌اند. ترکیب این مدل با هوش مصنوعی و دینامیک سیستم‌ها نمونه‌ای از رویکرد فراروش (متامتد) است که تحلیل عمیق‌تر پدیده‌های پیچیده را امکان‌پذیر می‌کند [۲۲]. در حوزه کارآفرینی گردشگری، پژوهش‌ها کمبود داده‌های جامع و نیاز به بهبود روش‌شناسی را نشان داده‌اند؛ برخی مطالعات به نقش جنسیت و عوامل انسانی در موفقیت کارآفرینان تأکید دارند [۲۳]. بررسی بیش از ۳۰۰ مقاله مختلف گویای برتری رویکرد فراروش با تمرکز بر تحلیل سیستماتیک داده‌ها و روش‌ها برای تحلیل چندبعدی پدیده‌های مانایی کسب‌وکار است که می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای عملی بهبود شود.

مطالعه مقالات مرتبط نشان می‌دهد که هرچند مفهوم و معنای رویکرد فراروش برای پژوهشگران مشابه است، اما در نحوه تفسیر، چارچوب و فرآیند اجرایی تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. بیشتر مطالعات بر این باورند که هنوز چارچوب استاندارد برای تحلیل مقالات از دیدگاه روش‌شناسی شکل نگرفته و تنها تعداد محدودی از پژوهش‌ها کوشیده‌اند الگوهای نوآورانه‌ای ارائه دهند [۲۴-۲۷].

۳- روش تحقیق

در حوزه پژوهش‌های علمی، به‌ویژه زمانی که قصد تحلیل و بررسی روش‌شناسی مطالعات پیشین وجود دارد، استفاده از چارچوب‌های منسجم و ساختاریافته اهمیت زیادی دارد. یکی از مدل‌های شناخته‌شده و کاربردی در این زمینه، نقشه راه طراحی تحقیق است که توسط غفارزادگان و قاضی نوری [۲۸] معرفی شده است. این نقشه به صورت لایه‌لایه، مراحل مختلف طراحی روش‌شناسی پژوهش را تشریح می‌کند و به پژوهشگران کمک می‌کند تا فرآیند انتخاب و به‌کارگیری روش‌ها را به شکل سازمان‌یافته و گام به گام پیش ببرند. یعنی به عنوان ابزاری راهنما، پژوهشگر را در تفکیک و تمایز انواع روش‌ها و رویکردهای تحقیق یاری می‌دهد و امکان توسعه تدریجی و دقیق طرح پژوهشی را فراهم می‌آورد [۲۸].

استفاده از چنین چارچوب‌هایی، به‌ویژه در مطالعاتی که با رویکردهای پیچیده‌ای؛ مانند فراروش انجام می‌شوند، موجب افزایش شفافیت، انسجام و اعتبار روش‌شناسی می‌گردد. هدف اصلی پژوهش‌های فراروش، تحلیل و ارزیابی روش‌های

به‌کاررفته در مطالعات پیشین است تا نقاط قوت و ضعف آن‌ها شناسایی و راهکارهای بهبود ارائه شود. بهره‌گیری از چارچوب‌هایی مانند نقشه راه طراحی تحقیق، امکان بررسی دقیق‌تر لایه‌های مختلف روش‌شناسی از جمله فلسفه تحقیق، راهبرد، انتخاب روش‌ها و تکنیک‌های جمع‌آوری داده را فراهم می‌آورد و پژوهشگر را در ارائه تحلیلی منسجم و نظام‌مند یاری می‌کند [۲۹]. بنابراین، به‌کارگیری چارچوب‌های ساختاریافته در تحلیل روش‌شناسی، به‌ویژه در مطالعات فراروش، نه تنها موجب ارتقای کیفیت پژوهش می‌شود؛ بلکه به توسعه دانش روش‌شناسی در حوزه‌های مختلف علمی کمک می‌کند و پژوهشگران را قادر می‌سازد تا نتایج خود را با دقت و اعتبار بیشتر گزارش دهند.

بر اساس این، نقشه راه طراحی تحقیق (شکل ۱) مبنایی را فراهم می‌کند که درک خوبی از کل فرایند تحقیق داشته باشیم و هنگام بررسی و ارزیابی روش‌شناسی پژوهشی، توجیهاتی را برای مناسب بودن آن ارائه کنیم.

جدول ۱) انواع روش‌ها و تکنیک‌های مورد استفاده

نوع روش پژوهش	روش‌ها	تکنیک‌ها
تحقیقات کتابخانه‌ای ^۱	تحلیل متون و مقالات علمی	استخراج داده از منابع ثانویه، تحلیل اسناد و مقالات، مرور پیشینه
تحقیقات میدانی ^۲	مشاهده بدون مشارکت ^۳	یادداشت‌برداری، ضبط صوت/تصویر، تحلیل محتوای مشاهده
	مشاهده مشارکتی ^۴	مصاحبه، تهیه یادداشت میدانی، ضبط مصاحبه و واکاوی
	مطالعه موردی ^۵	مصاحبه‌های عمیق، تحلیل ساختاری، بررسی اسناد مرتبط
	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته	پرسش‌نامه‌های باز، جلسات گروهی متمرکز
	گروه کانونی ^۶	تحلیل تماتیک، تحلیل کیفی محتوایی
تحقیقات آزمایشگاهی ^۷	شبیه‌سازی و مدل‌سازی سیستم‌های کسب و کار	استفاده از ابزارهای نرم‌افزاری مدل‌سازی، تحلیل سیستم‌ها
مطالعات فراروش ^۸	تحلیل و ترکیب رویکردها و نتایج مطالعات مختلف	فرامطالعه کیفی و کمی، تحلیل آماری ترکیبی، تلفیق نظریه‌ها و داده‌ها

¹ Library Research

² Field Research

³ Non-participant Observation

⁴ Participant Observation

⁵ Case Study

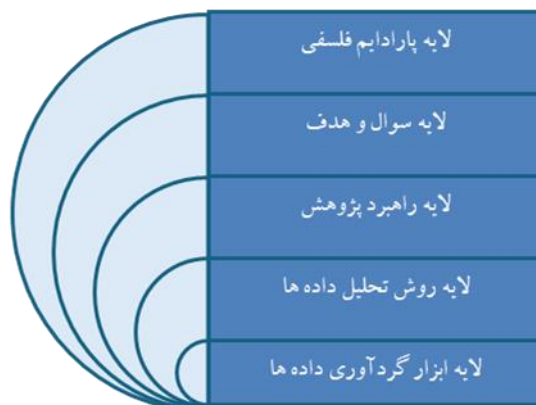
⁶ Focus Group

⁷ Laboratory Research

⁸ Meta-method Studies

همسویی با روندهای مفهومی رایج در پژوهش‌های روز انجام شده است. جست‌وجوی مقالات در پایگاه‌داده بین‌المللی اسکوپوس^۱ انجام شد؛ انتخاب این پایگاه به دلیل پوشش گسترده، روزآمدی و اعتبار علمی آن در حوزه‌های مدیریت و کارآفرینی صورت گرفت.

علاوه بر اسکوپوس، بررسی‌های اولیه در پایگاه‌هایی همچون وب او ساینس^۲ نیز انجام شد، اما به دلیل محدودیت پوشش موضوعی و دسترسی، تمرکز اصلی بر اسکوپوس باقی ماند. در مرحله نخست، ۳۶۲ مقاله بازیابی شد که پس از غربالگری بر اساس عنوان و چکیده، تنها مقالاتی انتخاب شدند که به طور مستقیم به روش‌شناسی مرتبط با مانایی کسب‌وکار در کارآفرینی پرداخته بودند. فرآیند پالایش شامل سه‌گام اصلی بود: حذف منابع نامرتب بر اساس عنوان (۱۴۷ منبع)، حذف مقالات غیرمرتبط بر اساس چکیده (۷۶ منبع) و کنارگذاری مطالعات فاقد محتوای روش‌شناختی مرتبط (۱۷ منبع). در نهایت، ۱۲۲ مقاله واجد معیارهای ورود شناخته شدند و مبنای تحلیل نهایی قرار گرفتند. معیارهای ورود شامل ارتباط مستقیم با مفاهیم مانایی، تاب‌آوری یا پایداری در کارآفرینی، تمرکز بر تحلیل روش‌شناسی یا چارچوب‌های پژوهشی و انتشار در مجلات معتبر علمی بودند. در مقابل، مقالاتی که صرفاً به ابعاد عملکردی یا مالی کسب‌وکار پرداخته بودند و فاقد جنبه روش‌شناختی بودند از مطالعه کنار گذاشته شدند. با توجه به ماهیت نوظهور حوزه مورد بررسی، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد تا پژوهش بتواند با تمرکز بر مطالعات مرتبط و باکیفیت، تحلیلی دقیق‌تر و عمیق‌تر از رویکردها و چارچوب‌های روش‌شناختی موجود ارائه دهد. در مجموع، ترکیب پایگاه داده اسکوپوس با رویکرد هدفمند انتخاب نمونه‌ها، موجب شد پژوهش حاضر تصویری جامع از روندهای مفهومی و روش‌شناختی در مطالعات مانایی کسب‌وکار و کارآفرینی ترسیم کند و به غنای دانش موجود در این حوزه بیفزاید.



شکل (۱) مدل نقشه راه طراحی تحقیق

در این مقاله به‌منظور بررسی روش‌شناسی «مانایی کسب‌وکار» در حوزه کارآفرینی، فرآیند انتخاب مقالات به‌گونه‌ای طراحی شد که دامنه‌ای جامع و مرتبط از مطالعات را شامل شود. ابتدا کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع، از جمله «Business Resilience»، «Viability of Business»، «Entrepreneurship»، «Business Sustainability»، «Resilience» و «Entrepreneurial Adaptability» با توجه به دامنه مفهومی پژوهش و واژگان متداول در ادبیات علمی این حوزه تعیین گردید.

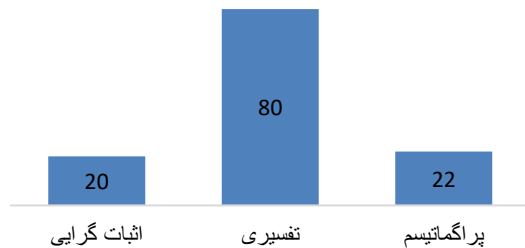
انتخاب این کلیدواژه‌ها مبتنی بر رویکرد نظام‌مند به مفاهیم بنیادین مانایی و تاب‌آوری در کسب‌وکار است که در پژوهش‌های بین‌المللی مرتبط با کارآفرینی به‌عنوان شاخص‌های کلیدی در تبیین پایداری و قابلیت بقا در شرایط محیطی متغیر شناخته شده‌اند. به طور خاص، مفهوم Business Viability بیانگر توان تداوم سازمان در گذر زمان و در مواجهه با محدودیت‌هاست، درحالی‌که Business Resilience و Entrepreneurial Adaptability بر ظرفیت سازمان برای بازسازی و انطباق در شرایط عدم قطعیت تأکید دارند.

مطالعات اخیر در این زمینه نشان می‌دهد که پیوند میان مفاهیم «مانایی»، «تاب‌آوری» و «سازگاری کارآفرینانه» نقشی اساسی در درک پویایی‌های بقا و رشد در کسب‌وکارهای نوپا دارد [۳۰]. براین‌اساس، انتخاب این واژگان به‌منظور پوشش‌دهی جامع ابعاد نظری و کاربردی مانایی کسب‌وکار و

¹ Scopus

² Web of Science

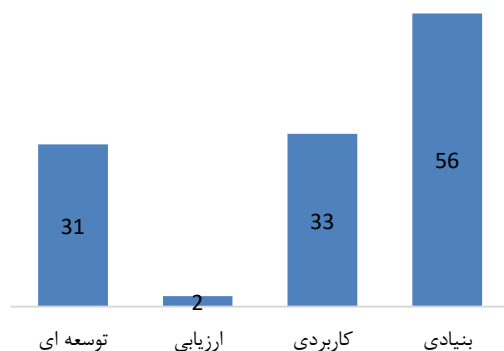
می تواند محدودیت هایی در درک چندبعدی و عدالت محور از پایداری سازمانی ایجاد کند. گسترش تنوع فلسفی در این حوزه می تواند مسیر جدیدی برای توسعه نظری و روشی فراهم سازد [۳۴]. (شکل ۳)



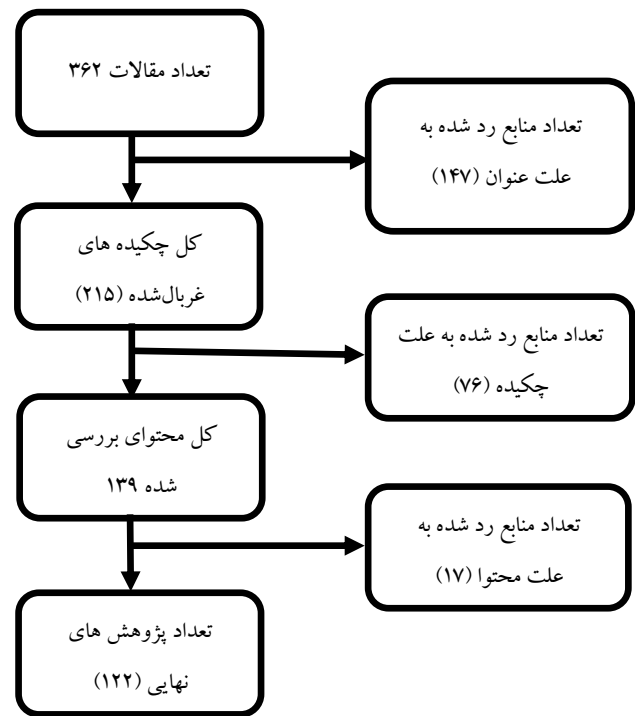
شکل ۳) تحلیل مقالات از نظر فلسفی پژوهش

سطح ۲) تحلیل مقالات از نظر جهت گیری پژوهش

نتایج نشان می دهد که اکثر پژوهش های بررسی شده دارای جهت گیری بنیادی و کاربردی بوده اند و پژوهش های توسعه ای و ارزیابی سهم کمتری دارند. این یافته با نتایج [۳۵] هم راستا است که تأکید کرده اند بخش عمده ای از مطالعات پایداری در مرحله نظریه پردازی و مدل سازی مفهومی قرار دارند. باین حال، پژوهش های اخیر نظیر [۳۶] نشان می دهند که روندی تدریجی به سمت رویکردهای کاربردی و تجربی در حال شکل گیری است. این تطور، بیانگر بلوغ تدریجی حوزه مانایی کسب و کار از سطح نظری به سطح مداخله گرایانه و اجرایی است. (شکل ۴)



شکل ۴) تحلیل مقالات از نظر جهت گیری پژوهش



شکل ۲) فرایند گزینش مقالات

۴- یافته ها

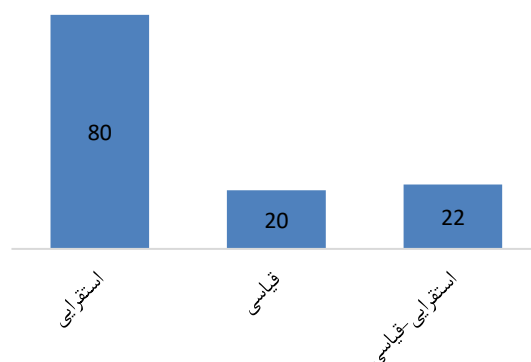
با توجه به نمودار معرفی شده برای تحلیل روش مقالات (شکل ۱)، در این بخش روش انجام تحقیقات مانایی کسب و کار در ۸ مرحله تحلیل و ارزیابی تشریح می شود:

سطح ۱) تحلیل مقالات از نظر فلسفه پژوهش

یافته ها نشان دادند که بخش عمده ای از مطالعات مورد بررسی در چارچوب پارادایم تفسیری انجام شده اند و پس از آن پراگماتیسم و اثبات گرایی بیشترین کاربرد را داشته اند، در حالی که پارادایم های انتقادی و فمینیستی سهم اندکی را به خود اختصاص داده اند. این نتیجه با مطالعات بین المللی همخوان است؛ به طور مثال، پژوهش های [۳۱ و ۳۲] نیز نشان دادند که بیشتر تحقیقات مرتبط با مانایی کسب و کار بر پایه تفسیرگرایی و درک بافتی از پدیده ها استوار بوده اند. در مقابل، پژوهش هایی همچون [۱۶] و [۳۳] از رویکرد پراگماتیستی برای تبیین پویایی های سازمانی و سازوکارهای تاب آوری استفاده کرده اند. بنابراین، یافته های حاضر ضمن تأیید غلبه دیدگاه تفسیری، به خلأ قابل توجهی در بهره گیری از رویکردهای انتقادی و فمینیستی اشاره دارند. این خلأ

سطح ۳) تحلیل مقالات از نظر رویکردهای پژوهش

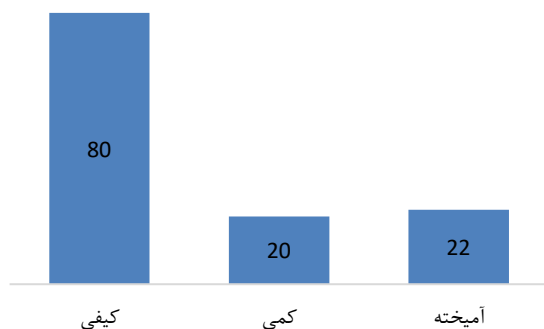
نتایج تحلیل‌ها بیانگر غلبه رویکرد استقرایی در میان مطالعات است، درحالی‌که رویکردهای قیاسی-استقرایی و قیاسی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. این یافته با مطالعات [۳۱ و ۳۲] همسو است که استقرا را به‌عنوان ابزاری برای کشف الگوهای نو در پدیده‌های پیچیده سازمانی معرفی کرده‌اند. بااین‌حال، پژوهش‌های جدیدتر نظیر [۳۷] نشان می‌دهند که حوزه تاب‌آوری کارآفرینانه به‌تدریج به سمت آزمون فرضیه‌های قیاسی و مدل‌سازی تجربی حرکت می‌کند. به‌طورکلی، نتایج حاضر تأییدکننده این نکته است که مطالعات مانایی کسب‌وکار هنوز در مرحله اکتشافی قرار دارند و برای رسیدن به بلوغ نظری نیازمند رویکردهای قیاسی و آزمون محور می‌باشند. (شکل ۵)



شکل ۵) تحلیل مقالات از نظر رویکردهای پژوهش

سطح ۴) تحلیل مقالات از راهبردهای پژوهش

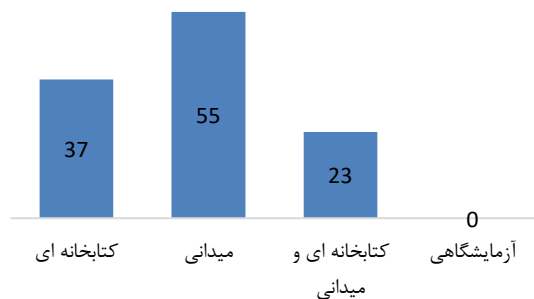
بر اساس یافته‌ها، راهبردهای کیفی بیشترین سهم را در مطالعات داشته‌اند و پس از آن روش‌های ترکیبی (آمیخته) و کمی قرار دارند. این نتیجه با بررسی‌های [۳۹، ۳۸] همخوانی دارد که استفاده از مصاحبه‌ها، تحلیل تماتیک و مطالعات موردی را در حوزه کارآفرینی پایدار رایج دانسته‌اند. در پژوهش‌های اخیر مانند [۳۳] و [۴۰] تمایل فزاینده‌ای به ترکیب روش‌های کیفی و کمی برای تحلیل چندسطحی مشاهده می‌شود. از این رو، یافته‌های این پژوهش نیز ضمن تأیید برتری رویکردهای کیفی، بر ضرورت گسترش پژوهش‌های آمیخته برای افزایش تعمیم‌پذیری و روایی بیرونی تأکید دارد. (شکل ۶)



شکل ۶) تحلیل مقالات از روش‌های پژوهش

سطح ۵) تحلیل مقالات از نظر مکان انجام پژوهش

یافته‌ها نشان دادند که بیشتر مطالعات به‌صورت میدانی انجام شده‌اند و پژوهش‌های کتابخانه‌ای در مرتبه دوم قرار دارند؛ هیچ مطالعه‌ای به‌صورت آزمایشگاهی گزارش نشده است. این الگو با مطالعات پیشین هم‌خوانی دارد که نشان دادند محیط‌های واقعی سازمانی، بستر اصلی تحلیل مانایی و تاب‌آوری هستند. در نتیجه، تمرکز بر پژوهش‌های میدانی منطقی است، اما توسعه طرح‌های آزمایشگاهی و شبیه‌سازی سیستمی می‌تواند به آزمون روابط علی میان متغیرها کمک کند و به غنای تجربی پژوهش‌ها بیفزاید. (شکل ۷)

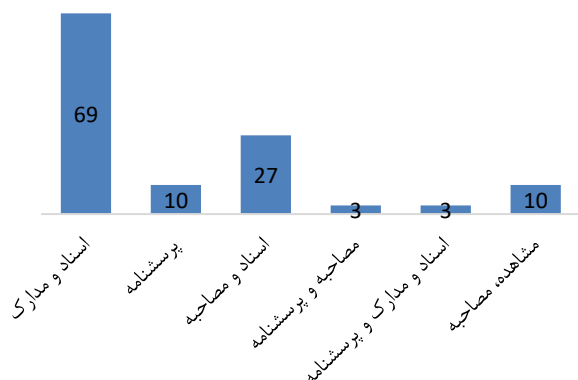


شکل ۷) تحلیل مقالات از نظر مکان انجام پژوهش

سطح ۶) تحلیل مقالات از راهبرد پژوهش

نتایج نشان می‌دهد که مطالعه موردی رایج‌ترین راهبرد پژوهشی است و پس از آن داده‌بنیاد و پیمایش قرار دارند. این یافته با پژوهش‌های [۳۱] و [۳۲] هم‌سو است که استفاده از مطالعه موردی را برای درک پویایی‌های سیستم‌های مانا و فرآیندهای کارآفرینی مؤثر دانسته‌اند. در مقابل، پژوهش‌هایی مانند [۳۷] از پیمایش‌های تجربی برای سنجش روابط میان

همچنین پژوهش‌های جدیدتر مانند [۴۰] نشان می‌دهند که ترکیب چندمنبعی داده‌ها (مصاحبه، اسناد، داده‌های ثانویه) موجب افزایش دقت و انسجام نتایج می‌شود. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر نیز این رویکرد را تأیید کرده و پیشنهاد می‌کند که استفاده از روش‌های چندمنبعی در پژوهش‌های آتی مورد توجه قرار گیرد. (شکل ۱۰)



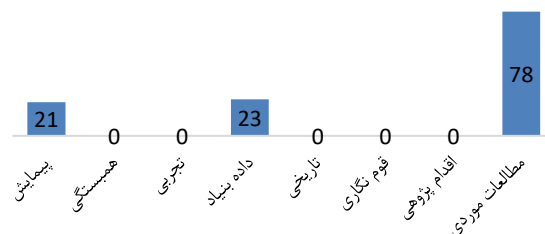
شکل ۱۰) تحلیل مقالات از نظر روش گردآوری داده‌های پژوهش

۵- بحث

این پژوهش باهدف تحلیل جامع روش‌شناسی مطالعات مرتبط با مانایی کسب‌وکار در حوزه کارآفرینی، بر اساس نقشه راه طراحی تحقیق غفارزادگان و قاضی نوری [۲۸] صورت گرفت. این چارچوب هشت‌لایه متوالی و مرتبط را شامل فلسفه پژوهش، جهت‌گیری، رویکرد پژوهشی، روش‌های پژوهش، مکان اجرای پژوهش، راهبرد پژوهش، هدف پژوهش و روش گردآوری داده‌ها تعریف می‌کند. مطالعه ۱۲۲ مقاله مرتبط در رابطه با روش‌شناسی این حوزه انجام شد تا با ارائه تحلیلی منسجم و عمیق، چشم‌انداز روش‌شناسی پژوهش‌های آتی را روشن سازد. یافته‌ها و تحلیل داده‌ها با تمرکز بر درصدهای به‌دست‌آمده در هر لایه، و مقایسه تطبیقی با پژوهش‌های پیشین تدوین و ارائه شده است.

این نقشه، یک چارچوب تحلیلی و نظام‌مند را برای برقراری انسجام میان‌لایه‌های فلسفی، رویکردی، روشی و عملی پژوهش فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که تصمیمات

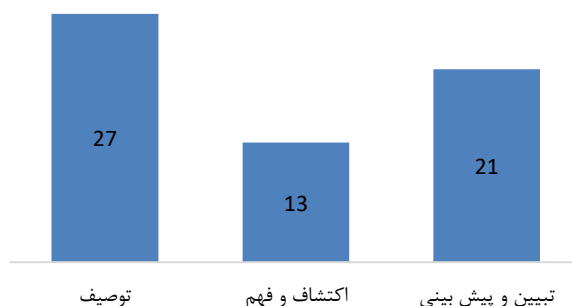
متغیرها استفاده کرده‌اند. این روند حاکی از گذار تدریجی از روش‌های توصیفی به تحلیل‌های تجربی در این حوزه است. (شکل ۸)



شکل ۸) تحلیل مقالات از راهبرد پژوهش

سطح ۷) تحلیل مقالات از نظر هدف پژوهش

نتایج نشان داد که عمده پژوهش‌ها باهدف توصیف وضعیت موجود انجام شده‌اند و در رتبه‌های بعدی اهداف اکتشافی و تبیینی قرار دارند. این یافته با مطالعات [۳۳] و [۳۴] همخوانی دارد که بیان می‌کنند بخش زیادی از تحقیقات مانایی کسب‌وکار در مرحله تبیین مفاهیم و ساخت چارچوب‌های اولیه قرار دارند. در مجموع، این الگو بیانگر آن است که پژوهش‌های این حوزه هنوز در مرحله بلوغ مفهومی‌اند و نیاز به گسترش مطالعات تبیینی و پیش‌بینی‌محور احساس می‌شود. (شکل ۹)



شکل ۹) تحلیل مقالات از نظر هدف پژوهش

سطح ۸) تحلیل مقالات از نظر روش گردآوری داده‌ها

یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر داده‌ها از طریق مطالعات اسنادی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند و پس از آن، استفاده از پرسش‌نامه‌ها در اولویت بعدی قرار دارد. این نتیجه با مطالعات [۳۸ و ۳۹] هم‌راستا است.

متداول در طراحی پژوهش، از فلسفه و جهت‌گیری کلی تا روش‌های جمع‌آوری داده‌ها، به‌صورت هماهنگ و هدفمند اتخاذ شوند. به این معنی که انتخاب هر عنصر در لایه‌ای بالاتر مانند فلسفه پژوهش، به‌طور مستقیم بر عناصر لایه‌های پایین‌تر نظیر رویکرد، روش و تکنیک‌های اجرایی تأثیرگذار است و تنظیم دقیق این ارتباط‌ها، کیفیت و انسجام روش‌شناسی پژوهش را تضمین می‌کند. برای مثال، وقتی فلسفه پژوهش اثبات‌گرایی باشد، انتظار می‌رود جهت‌گیری کاربردی یا توسعه‌ای، رویکرد استقرایی، روش‌های کمی، اجرای میدانی، راهبردهای پیمایش یا تجربی، اهداف تبیینی و گردآوری داده‌ها از طریق پرسش‌نامه یا اسناد و مدارک در پیش گرفته شوند. به همین ترتیب، در پژوهش‌های دیگر که بر فلسفه‌های متفاوتی مبتنی هستند، تمام لایه‌ها متناسب با آن جهت‌گیری فلسفی تنظیم می‌شود. این ویژگی پیاز پژوهش، آن را به ابزاری قابل‌اطمینان و معتبر برای درک، تحلیل، ارزیابی و تبیین چرایی و چگونگی گزینش‌های روش‌شناسی در پژوهش‌های مختلف تبدیل کرده و امکان ارائه نقدهای دقیق و سازنده را در حوزه علوم رفتاری و اجتماعی به‌خصوص کارآفرینی فراهم می‌آورد. کاربرد این چارچوب در این پژوهش، به‌منظور ایجاد یک بستر تحلیلی منسجم و جامع برای بررسی روش‌شناسی مطالعات مانایی کسب‌وکار بوده است که ضمن تبیین روندهای رایج، به‌نقد و تحلیل سازه‌های مختلف روش پژوهش کمک شایانی کرده است.

در زمینه فلسفه پژوهش، نتایج نشان داد که ۶۵ درصد از مطالعات بر اساس فلسفه تفسیری شکل‌گرفته‌اند که حکایت از گرایش پژوهشگران به فهم عمیق و معناشناسانه پدیده‌های پیچیده مانایی کسب‌وکار دارد. ۱۸ درصد از پژوهش‌ها فلسفه پراگماتیسم را اختیار کرده‌اند که امکان تلفیق رویکردهای مختلف و تمرکز بر حل مسئله را فراهم می‌آورد. ۱۶ درصد نیز در چارچوب اثبات‌گرایی حرکت کرده‌اند، معمولاً برای مطالعات کمی و تحلیل فرضیاتی که در جهت تعمیم و آزمون نظریه‌ها تعریف می‌شوند. چنین توزیعی، تصویرگر ماهیت چندوجهی موضوع و لزوم بهره‌گیری از چشم‌اندازهای روش‌شناسی متنوع و منطبق با ماهیت مسئله است. در لایه

جهت‌گیری پژوهش، ۴۵ درصد از مطالعات پیرامون اهداف بنیادی (بنیادی) برای توسعه نظریه صورت پذیرفته است؛ این نوع جهت‌گیری نمایانگر عصر نوپایی و نیاز به بنیان‌گذاری مفاهیم و چارچوب‌های اصلی در حوزه مانایی کسب‌وکار است. ۲۷ درصد جهت‌گیری کاربردی داشته‌اند که با هدف ارائه راهکارهای عملی و اثرگذاری مستقیم در فضای کسب‌وکار انجام شده است. ۲۴ درصد دیگر نیز در قالب توسعه‌ای و ارزیابی پروژه‌های پیشین فعالیت کرده‌اند که ضمن تسهیل رشد نظریه، به تضمین اثربخشی و کارکردسنجی کمک می‌کند. این تنوع جهت‌گیری، ضرورت هم‌زمان توجه به توسعه دانش بنیادین و تضمین کاربردی بودن نتایج را نمایان می‌سازد. لایه رویکرد پژوهشی تحلیل شده با ۶۵ درصد نقش‌آفرینی رویکرد استقرایی، تأکیدی بر داده‌محوری و رویکرد اکتشافی در شکل‌گیری نظریات دارد. پژوهشگران عمدتاً با گردآوری داده از فضای واقعی کسب‌وکار به استخراج الگوها و نظریه‌های نوین روی آورده‌اند. ۱۶ درصد رویکرد قیاسی انتخاب کرده‌اند که بیشتر در چارچوب آزمون پیش‌فرض‌ها و تعمیم مفاهیم کاربرد دارد. ترکیب استقرایی-قیاسی در ۱۹ درصد مطالعات انعکاسی از پیچیدگی روش‌شناسی است که هم کسب داده‌های غنی و هم تعمیم‌یابی را مدنظر دارد؛ این رویکرد فرصت بیشتری برای تعامل نظری و عملی فراهم می‌سازد. در مورد روش‌های پژوهش، ۶۵ درصد مطالعات از روش‌های کیفی بهره برده‌اند که به دلیل امکان تحلیل متون، مصاحبه‌ها و مشاهدات عمیق، برای بازشناسی عناصر پنهان و رابطه‌های پیچیده مانایی کسب‌وکار بسیار مناسب است. ۲۱ درصد روش‌های کمی و ۱۴ درصد ارزیابی‌ها نیز از روش ترکیبی (آمیخته) استفاده کرده‌اند که امکان تلفیق داده‌های عددی با بینش‌های کیفی را می‌دهد و روشنگر ابعاد گوناگون موضوع پژوهش است. در لایه مکان انجام پژوهش، ۴۵ درصد مطالعات در محیط میدانی اجرا شده‌اند که حضوری مستقیم و استفاده از داده‌های عینی و متنی را تسهیل می‌کند و ۳۰ درصد تحقیقات کتابخانه‌ای بوده‌اند که به تحلیل و بازنگری منابع نظری و داده‌های ثانویه پرداخته‌اند. ۱۹ درصد نیز ترکیبی از

کتابخانه‌ای و میدانی بوده‌اند. عدم وجود پژوهش آزمایشگاهی گویای دشواری ایجاد شرایط کنترلی برای پدیده‌های واقعی کسب‌وکار است. راهبردهای پژوهش به ترتیب غالب شامل مطالعات موردی (۶۴ درصد)، داده‌بنیاد (۱۹ درصد) و پیمایش (۱۷ درصد) بوده است. تمرکز روی مطالعات موردی تأکید بر مواجهه تخصصی و واکاوی عمیق موضوع در بستر واقعی دارد. داده‌بنیاد، رویکردی نظام‌مند برای توسعه نظریه از داده‌های میدانی است و پیمایش برای جمع‌آوری داده‌های گسترده‌تر و تحلیل فراگیر کاربرد دارد. فقدان راهبردهای تجربی و تاریخی نشان از کمبود پژوهش‌های علی و درازمدت در حوزه دارد. در لایه هدف پژوهش، ۴۴ درصد پژوهش‌ها باهدف توصیف وضعیت موجود و ۲۱ درصد اکتشافی انجام شده‌اند. اهداف تبیینی و پیش‌بینی تنها ۳۵ درصد سهم داشته‌اند که بر ضرورت تعمیق در درک واسطه‌ها و علل پدیده‌ها دلالت می‌کند. این الگو، همگام با ماهیت پیچیده و نوپای حوزه، گویای روند توسعه دانش پایدار و قابل‌دفاع است. در نهایت، در روش گردآوری داده‌ها، ۵۶ درصد داده‌ها از اسناد و مدارک استخراج شده‌اند که برای مطالعات کتابخانه‌ای اهمیت دارد، ۱۸ درصد از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته استفاده شده و ۸ درصد پرسش‌نامه به‌کاررفته است. ترکیب این ابزارها نشانگر تنوع روشی در جهت افزایش اعتبار و غنای داده‌های پژوهش است.

پیوند نتایج این پژوهش با پیشینه نشان می‌دهد الگوی مشاهده‌شده در تمام لایه‌های نقشه راه طراحی پژوهش غفارزادگان و قاضی نوری با مسیر مسلط ادبیات بین‌المللی هم‌سوتر است: غلبه پارادایم تفسیری و روش‌های کیفی/مطالعه موردی در تبیین پدیده‌های پیچیده مانایی و تاب‌آوری، همان الگویی است که در مطالعات سیستم‌های مانا و کارآفرینی پایدار نیز گزارش شده است [۳۱ و ۳۲].

درعین‌حال، حضور معنادار پراگماتیسم و حرکت تدریجی به‌سوی طرح‌های کاربردی/تجربی، با شواهد حوزه‌هایی چون زنجیره تأمین و سرویس‌تایزیشن دیجیتال هم‌خوان است و نشان می‌دهد ادبیات از تبیین‌های صرفاً بافتی به سمت حل مسئله و آزمون‌پذیری در حال گذار است [۱۶ و ۳۱]. الگوی

جهت‌گیری بنیادی/توسعه‌ای و سهم پایین‌تر پژوهش‌های ارزیابی نیز با ماهیت در حال تکوین مفاهیم مانایی در کارآفرینی سازگار بوده و بر نیاز به ارتقای اعتبار تجربی تأکید می‌کند [۳۵]. در سطح رویکرد، غلبه استقرا و افزایش تدریجی طرح‌های قیاسی (به‌ویژه در پیمایش‌های سنجش روابط) نشانه عبور از مرحله اکتشافی به‌سوی آزمون نظریه و تعمیم‌پذیری است [۳۷]. همین هم‌راستایی در لایه‌های «مکان»، «راهبرد» و «گردآوری داده» نیز دیده می‌شود: اتکای میدانی، چیرگی مطالعه موردی و مصاحبه/اسناد، و گرایش اخیر به استفاده چندمنبعی برای افزایش روایی، با شواهد مرورها و نمونه‌های موردی کارآفرینی پایدار هم‌نواست [۳۸] - ۴۰].

در این چارچوب، سهم افزوده این پژوهش نسبت به پیشینه در دو بعد قابل جمع‌بندی است: نخست، یکپارچه‌سازی نظام‌مند نقشه راه طراحی پژوهش غفارزادگان و قاضی نوری بر کل بدنه مقالات مانایی در کارآفرینی و نشان‌دادن هم‌ترازی عمودی «فلسفه-رویکرد-روش-راهبرد-هدف-داده» که به‌طور معمول در مطالعات پیشین به‌صورت پراکنده یا تک‌لایه بررسی می‌شد [۳۱ و ۳۲]، دوم، تعیین مسیر گذار روش‌شناختی حوزه از تفسیرگرایی اکتشافی به سوی طرح‌های آمیخته و قیاسی آزمون‌محور، با اتکا به شواهد تطبیقی از زمینه‌های نزدیک (زنجیره تأمین، تولید قابل‌بقا، و اکوسیستم‌های کارآفرینانه)، و ارائه دلالت‌های روشن برای طراحی پژوهش‌های آینده [۱۶، ۳۳ و ۳۷] بدین‌ترتیب، نتایج حاضر هم‌زمان همسویی با ادبیات موجود را تأیید می‌کند و هم با برجسته‌سازی نقاط خلأ -کمبود طرح‌های آزمایشگاهی/طولی، سهم پایین ارزیابی، و نیاز به سنجه‌های کمی معتبر-نقشه راهی برای ارتقای روایی بیرونی و کاربست‌پذیری پژوهش‌های مانایی در کارآفرینی ارائه می‌دهد [۳۵ و ۴۰].

۶- نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری این پژوهش، بر اهمیت هماهنگی دقیق و هم‌افزایی متقابل میان اجزای مختلف روش‌شناسی تأکید می‌کند؛ به‌ویژه همسویی معرفت‌شناسی و فلسفه پژوهش با

تفسیری، استفاده گسترده از روش‌های کیفی و مطالعات موردی، سهم قابل‌توجه تحقیقات بنیادی و کمبود طرح‌های تجربی و تاریخی دلالت دارد—پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با اتخاذ رویکردی چندوجهی و تلفیقی، به‌ویژه با ترکیب نگرش‌های تفسیری و پراگماتیسمی، به درکی عمیق و درعین‌حال مسئله‌محور از مانایی کسب‌وکار در بسترهای واقعی دست یابند. توسعه طرح‌های ترکیبی از طریق پیوند مصاحبه‌های عمیق، مشاهده مستقیم و تحلیل اسناد با سنجه‌های کمی، اجرای مطالعات میدانی مشارکتی با کارآفرینان و مدیران و گسترش راهبردهای داده‌بنیاد، پیمایش و مقایسه‌های بین‌صنعتی/بین‌منطقه‌ای می‌تواند قابلیت تعمیم و کاربست‌پذیری نتایج را ارتقا دهد. نوآوری این مقاله در سه محور است: نخست، به‌کارگیری یکپارچه و نظام‌مند «پياز پژوهش» به منزله منطق تصمیم برای هم‌ترازسازی عمودی فلسفه‌رویکرد-روش-راهبرد-هدف-داده و سازمان‌دهی کل طراحی پژوهش؛ دوم، ارائه تصویری تطبیقی از گذار حوزه از رویکردهای صرفاً تفسیری به سمت طرح‌های آمیخته و آزمون محور و مشخص کردن مسیر ارتقای اعتبار تجربی؛ و سوم، استخراج دلالت‌های عملی به‌صورت یک بسته راهبردی (شفاف‌سازی معیارهای ورود/خروج، توصیه به گردآوری چندمنبعی و استفاده از طرح‌های طولی/مقایسه‌ای) برای افزایش روایی بیرونی و اثرگذاری نتایج در عمل.

تعارض منافع

نویسندگان تعهد می‌کنند که هیچ تعارض منافی در این مقاله وجود نداشته‌است.

References

- [1] Štrukelj, T., Zlatanović, D., Nikolić, J., & Sternad Zabukovšek, S. (2021). **The Viable System Model's Support To Social Responsibility**. *Kybernetes*, 50(3), 812–835. <https://doi.org/10.1108/K-12-2019-0860>
- [2] Cardoso Castro, P. P. (2019). **The Viable System Model As A Framework To Guide Organisational Adaptive Response In Times Of Instability And Change**. *International Journal of Organizational Analysis*, 27(2), 289–307. <https://doi.org/10.1108/IJOA-01-2018-1334>
- [3] Miceli, A., Hagen, B., Riccardi, M. P., Sotti, F., & Settembre-Blundo, D. (2021). **Thriving, Not Just**

رویکردهای استدلالی، انتخاب روش‌های کیفی یا کمی، راهبردهای جمع‌آوری داده‌ها و طراحی پژوهش. گسترش رویکرد تفسیری در مطالعات مانایی کسب‌وکار، به‌وضوح نشان می‌دهد که این حوزه نیازمند رویکردی است که قادر باشد ابعاد زیربنایی، پیچیده و چندلایه رفتارهای کارآفرینی را باتکیه بر زمینه‌های خاص اجتماعی، فرهنگی و سازمانی کاوش کند؛ موضوعی که روش‌های سنتی کمی به دلیل ماهیت ایستا و اغلب سطحی خود، از بازنمایی کامل آن عاجزند. در این راستا، ارجحیت روش‌های کیفی و مطالعات موردی به‌عنوان ابزارهایی برای استخراج معناهای عمیق و ساختارهای نوظهور در محیط واقعی کسب‌وکار، جایگاه خود را تثبیت کرده‌اند. بااین‌وجود، محدودیت قابل‌توجه در کمبود پژوهش‌های تجربی و تاریخی، به‌ویژه آن دسته که از قابلیت تعمیم علمی برخوردارند، نشان‌دهنده خلأ راهبردی در توسعه دانش روش‌شناسی در این حوزه می‌باشد. این کمبود می‌تواند منجر به ضعف درک علی و روندهای زمانی مؤثر بر پایداری و موفقیت کسب‌وکارها شود؛ بنابراین، ضرورت به‌کارگیری رویکردهای ترکیبی و توسعه چارچوب‌های متا متد و فراروش بیش‌ازپیش حساس می‌شود، زیرا این رویکردها امکان تلفیق داده‌های کیفی عمیق با تحلیل‌های کمی دقیق و نظام‌مند را فراهم می‌آورند و به غنای شناختی و اعتبار نتایج پژوهش‌ها می‌افزایند. از سوی دیگر، نقشه راه طراحی پژوهش به‌عنوان ابزاری نظام‌مند و ساختاریافته، امکان تحلیل دقیق و هدفمند هر یک از لایه‌های روش‌شناسی را فراهم می‌کند؛ از فلسفه‌های معرفت‌شناختی گرفته تا شیوه‌های گردآوری داده‌ها. این چارچوب با ایجاد هم‌گرایی میان اجزای مختلف پژوهش، شرایط لازم برای دستیابی به انسجام نظری و عملی را فراهم ساخته و در نتیجه به بهبود کیفیت علمی و اعتبار روش‌شناسی مطالعات کمک شایانی می‌کند. در مجموع، اتخاذ این چارچوب در تحقیقات آتی می‌تواند نقطه آغازی برای ارتقای استانداردهای پژوهشی، تحلیل عمیق‌تر و ترویج روش‌های معتبر و اثربخش در حوزه کارآفرینی و مطالعات مانایی کسب‌وکار باشد.

باتوجه به یافته‌های این پژوهش—که بر غلبه رویکرد

- [20] Barile, S. (2024). **Systems Thinking And Viable Systems**. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003475187>
- [21] Barile, S., Lusch, R., Reynoso, J., Saviano, M., & Spohrer, J. (2016). **Systems, Networks, And Ecosystems In Service Research**. *Journal of Service Management*, 27(4), 652–674. <https://doi.org/10.1108/JOSM-09-2015-0268>
- [22] Azadeh, A., Darivandi Shoushtari, K., Saberi, M., & Teimoury, E. (2014). **An Integrated ANN And SD Approach To Optimize Production Systems**. *Systems Research and Behavioral Science*, 31(2), 236–257.
- [23] Rusu, V. D., & Roman, A. (2017). **Entrepreneurial Activity In The EU: An Empirical Evaluation Of Its Determinants**. *Sustainability*, 9(9), 1679. <https://doi.org/10.3390/su9091679>
- [24] Sanaipour, H. (1400). **Evaluation And Analysis Of The Methodology Of Entrepreneurship Studies In Tourism: A Meta-Approach**. *Methodology of Humanities*, 27(108), 1–20. {in persian} <https://doi.org/10.30471/mssh.2021.6092.1972>
- [25] Batdı, V. (2023). **The Effectiveness Of The Constructivist Approach On Learning: A Mixed-Meta Method Study**. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 23(2), 1–22. <https://doi.org/10.15390/EB.2023.11774>
- [26] Rizo, J. L. (2023). **Meta-Method Analysis On Therapists' Experiences In Psychotherapy** (Master's thesis, *University of Massachusetts Boston*).
- [27] Pérez-Sánchez, J., & Delgado, A. R. (2022). **A Metamethod Study Of Qualitative Research On Emotion Regulation Strategies**. *Papeles del Psicólogo*, 43(2), 103–109. <https://dx.doi.org/10.23923/pap.psicol.2989>
- [28] G Zadegan, M. and Ghazinoory, S. (2024). **Research Method in Understandable Language: Developing the Research Roadmap, Step be Step**. *Chapar Publication*. {in persian}
- [29] Melnikovas, A. (2018). **Towards An Explicit Research Methodology: Adapting Research Onion Model For Futures Studies**. *Journal of Futures Studies*, 23(2). [https://doi.org/10.6531/JFS.201812_23\(2\).0003](https://doi.org/10.6531/JFS.201812_23(2).0003)
- [30] Conduah, A. K., & Essiaw, M. N. (2022). **Resilience And Entrepreneurship: A Systematic Review**. *F1000Research*, 11(348). <https://doi.org/10.12688/f1000research.75473.1>
- [31] Espinosa, A. M., Walker, J., Grover, K., & Vachkova, M. V. (2023). **The Viability And Sustainability Approach: Integrating System Viability And Sustainability Into Business Models**. *Systems Research and Behavioral Science*, 40(4), 689–700. <https://doi.org/10.1002/sres.2951>
- [32] Tong, A., Calvo, J., & Haapala, K. R. (2018). **Integration Of Sustainability Indicators And The VSM Towards a Systemic Sustainability Assessment Methodology**. *Systems Research and Behavioral Science*, 35(5), 564–587. <https://doi.org/10.1002/sres.2553>
- Surviving In Changing Times**. *Sustainability*, 13(4), 2052. <https://doi.org/10.3390/su13042052>
- [4] Damiano, R., Ruisi, M., & Cosenz, F. (2024). **Supporting Business Viability And Competitiveness Through Sustainability-Based Adaptation**. *Business Competitiveness and Sustainability* (pp. 151–169). <https://doi.org/10.4324/9781032695969-9>
- [5] Hanaysha, J. R., Al-Shaikh, M. E., Joghee, S., & Alzoubi, H. M. (2022). **Impact Of Innovation Capabilities On Organizational Performance**. *FIIB Business Review*, 11(1), 67–78. <https://doi.org/10.1177/23197145211042232>
- [6] Qadir, A., & Mohammed, A. (2024). **Navigating The Impact Of Small Business Feasibility**. *SSRN* 5048540. <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.5048540>
- [7] Raza, H. (2024). **Entrepreneurial Management And Innovation Performance**. *Journal of Business Management*, 3(1), 33–44.
- [8] Sahibzada, U. F., Janjua, N. A., Muavia, M., & Aamir, S. (2024). **Knowledge-Oriented Leadership And Performance**. *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 11(1), 69–89. <https://doi.org/10.1108/JOEPP-10-2022-0296>
- [9] Villar, A., Abowitz, S., Read, R., & Butler, J. (2024). **Maximizing Supply Chain Resilience**. *Operations Research Forum*, 5(2), 26. <https://doi.org/10.1007/s43069-024-00303-1>
- [10] Aubin, J. P. (2004). **Elements Of Viability Theory**. *Cognitive Economics* (pp. 245–266). Springer. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-3-540-24708-1_15
- [11] Acheson, J., & Gardner, R. (2014). **Fishing Failure And Success**. *Maritime Studies*, 13, 1–21. <https://doi.org/10.1186/2212-9790-13-8>
- [12] Beer, S. (1960). **Cybernetics And Management**. *English Universities Press*.
- [13] Beer, S. (1972). **Brain Of The Firm**. *John Wiley & Sons*.
- [14] Beer, S. (1985). **Diagnosing The System For Organizations**. *Wiley*.
- [15] Espejo, R., & Harnden, R. (1989). **The Viable System Model: Interpretations And Applications**. *Wiley*.
- [16] Ciasullo, M. V., Polese, F., Montera, R., & Carrubbo, L. (2021). **A Digital Servitization Framework For Viable Business Models**. *Journal of Business & Industrial Marketing*, 36(13), 142–160. <https://doi.org/10.1108/JBIM-07-2020-0349>
- [17] Hoverstadt, P. (2011). **The Fractal Organization: Creating Sustainable Organizations With The Viable System Model**. *John Wiley & Sons*.
- [18] Christopher, W. F. (2007). **Holistic Management: Managing What Matters For Company Success**. *John Wiley & Sons*. <https://doi.org/10.1002/9780470108994>
- [19] Gmür, B., Bartelt, A., & Kissling, R. (2010). **Organization From A Systemic Perspective: Application Of The VSM to the Swiss Youth Hostel Association**. *Kybernetes*, 39(9/10), 1627–1644. <https://doi.org/10.1108/03684921011081204>

- [37] Quansah, E., Hartz, D. E., & Salipante, P. (2022). **Adaptive Practices In Smes: Leveraging Dynamic Capabilities For Strategic Adaptation.** *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 29(7), 1130–1148. <https://doi.org/10.1108/JSBED-07-2021-0269>
- [38] Mayangsari, L., Novani, S., & Hermawan, P. (2015). **Understanding A Viable Value Co-Creation Model.** *International Journal of Entrepreneurship and Small Business*, 26(4), 416–434.
- [39] Chan, J. W. (2011). **Enhancing Organisational Resilience: Application Of Viable System Model And MCDA In A Small Hong Kong Company.** *International Journal of Production Research*, 49(18), 5545–5563. <https://doi.org/10.1080/00207543.2011.563829>
- [40] Núñez-Ríos, J. E., Sánchez-García, J. Y., & Ramirez-Nafarrate, A. (2023). **Sustainable Performance In Tourism Smes: A Soft Modeling Approach.** *Journal of Modelling in Management*, 18(6), 1717–1739. <https://doi.org/10.1108/JM2-06-2021-0136>
- [33] Sheng, M. L., & Saide, S. (2021). **Supply Chain Survivability In Crisis Times Through A Viable System Perspective: Big Data, Knowledge Ambidexterity, And The Mediating Role Of Virtual Enterprise.** *Journal of Business Research*, 137, 567–578. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2021.08.041>
- [34] Iandolo, F., Vito, P., Loia, F., Fulco, I., & Calabrese, M. (2020). **Drilling Down The Viable System Theories In Business, Management And Accounting: A Bibliometric Review.** *Systems Research and Behavioral Science*, 38(6), 738–755. <https://doi.org/10.1002/sres.2731>
- [35] Rezk, S. S., & Gamal, S. (2020). **An Organizational Cybernetics Framework For Resilience.** *Systemic Practice and Action Research*, 33(6), 703–724. <https://doi.org/10.1007/s11213-019-09505-9>
- [36] Chaudhry, I. S. (2022). **Viable System Model: A Tool For Managing Sustainable Development Holistically.** *Management & Sustainability: An Arab Review*, 1(1), 50–65. <https://doi.org/10.1108/MSAR-01-2022-0008>